

Enhancing Economic Governance and Addressing Economic Shocks through an Economic Resilience Approach

Daryush Golestan¹, Mousarreza Ghaemi²

Abstract

This article examines and analyzes various economic shocks, related crises, and the role of economic governance in strengthening the economy. Initially, the types of economic shocks and crises, including internal and external shocks, are analyzed, and their impacts on the economy are examined. In particular, special attention has been given to sanctions as one of the external factors influencing economic shocks, and the management of crises under sanction conditions has been analyzed. Furthermore, the experiences of several successful countries in facing economic crises and their effective policies have been examined. These countries have achieved significant successes in crisis management by implementing structural reforms, coherent fiscal and monetary policies, and strengthening oversight of the financial sector. This research also provides suggestions for improving economic governance and strengthening the economy. These suggestions include implementing structural reforms, strengthening the private sector, economic diversification, and investing in research and development. This research also provides solutions to strengthen economic governance and increase the resilience of the economy against crises and shocks by reviewing the literature and credible global reports, conducting a detailed analysis of international experiences, and offering practical recommendations, as well as examining the successful trade practices of countries in proper economic governance to overcome crises. In the end, a recommended model for Iran is presented, designed based on successful global experiences and the specific needs of the country. By carefully analyzing international experiences and providing practical suggestions, this

1. Governance, Shahid Beheshti School of Governance, Supreme National Defense University, Tehran, Iran d.golestan99@sndu.ac.ir

2. Governance, Shahid Beheshti School of Governance, National Defense University, Tehran, Iran mosa.ghaemi1356@gmail.com

research provides solutions to strengthen economic governance and increase the economy's resistance to crises and shocks. This research is applied-developmental in terms of method and has been obtained by reviewing literature and previous researchs.

Keywords: Economic shocks, Economic crises, Economic governance, Sanctions, Economic resilience.

بهبود حکمرانی اقتصادی و رویارویی با تکانش‌های اقتصادی

با رویکرد مقاوم‌سازی اقتصاد

داریوش گلستان^۱، موسی‌الرضا قائمی^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۱۴

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۲۴

چکیده

این مقاله به بررسی و تحلیل انواع تکانش‌های اقتصادی، بحران‌های مرتبط، و نقش حکمرانی اقتصادی در مقاوم‌سازی اقتصاد پرداخته است. ابتدا انواع تکانش‌ها و بحران‌های اقتصادی شامل تحولات داخلی و خارجی مورد تحلیل قرار گرفته، و تأثیرات آن‌ها بر اقتصاد بررسی شده است. به تحریم‌ها به‌عنوان یکی از عوامل خارجی تکانش‌های اقتصادی توجه ویژه‌ای معطوف، و چگونگی مدیریت بحران‌ها در شرایط تحریم تحلیل شده است. در ادامه تجربه چند کشور موفق در رویارویی با بحران‌های اقتصادی و سیاست‌های مؤثر آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. این کشورها با اجرای اصلاحات ساختاری، سیاست‌های مالی و پولی منسجم و تقویت نظارت بر بخش مالی توانسته‌اند به موفقیت‌های قابل توجهی در مدیریت بحران‌ها دست یابند. این پژوهش به ارائه پیشنهادها برای بهبود حکمرانی اقتصادی بر اساس مقاوم‌سازی اقتصاد نیز می‌پردازد که این پیشنهادها شامل اجرای اصلاحات ساختاری، تقویت بخش خصوصی، تنوع اقتصادی و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه است. در پایان الگوی پیشنهادی برای ایران ارائه شده است که بر اساس تجارب موفق جهانی و نیازهای خاص کشور طراحی شده است. این پژوهش با تحلیل دقیق تجارب بین‌المللی و ارائه پیشنهادها کاربردی، به ارائه راهکارهایی برای تقویت حکمرانی اقتصادی و افزایش مقاومت اقتصاد در برابر بحران‌ها و تکانش‌ها می‌پردازد. این پژوهش به لحاظ نوع کاربردی - توسعه‌ای و به لحاظ روش مروری است و با بررسی ادبیات و پژوهش‌های پیشین به‌دست آمده است.

واژگان کلیدی: تکانش‌های اقتصادی، بحران‌های اقتصادی، حکمرانی اقتصادی، تحریم، مقاوم‌سازی اقتصاد

۱. دانشجوی دکتری حکمرانی، مدرسه عالی حکمرانی شهید بهشتی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران
d.golestan99@sndu.ac.ir

۲. دکتری امنیت ملی، مدرسه عالی حکمرانی شهید بهشتی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران
mosa.ghaemi1356@gmail.com

۱. مقدمه

حکمرانی اقتصادی به مجموعه‌ای از شیوه‌ها و سیاست‌هایی اطلاق می‌شود که هدف آن مدیریت مؤثر منابع و تضمین رشد اقتصادی پایدار است (World Bank, 2022). تغییرات ناگهانی در سیاست‌ها و عوامل اقتصادی جهانی می‌تواند سبب ایجاد اختلالات و بحران‌های اقتصادی شود که به نوسانات شدید بازار و مشکلات جدی اقتصادی منجر می‌شود (International Monetary Fund, 2020). این بحران‌ها نیازمند اقداماتی سریع و کارآمد از سوی سیاست‌گذاران و نهادهای اقتصادی برای کاهش تأثیرات منفی است (OECD, 2023). تقویت مقاومت اقتصادی، با هدف بهبود تاب‌آوری و کاهش آسیب‌پذیری در برابر بحران‌ها به اولویت مهم در مدیریت اقتصادی تبدیل شده است (United Nations Conference on Trade and Development, 2024). تحلیل و اجرای راهبردهای مناسب در این زمینه می‌تواند به حفظ ثبات و پیشبرد رشد اقتصادی پایدار کمک کند (Rodrik, 2020). این مقاله با رویکرد مروری چتری به تحلیل نظام‌مند مطالعات پیشین در زمینه حکمرانی اقتصادی و مقاوم‌سازی اقتصاد پرداخته است و با تمرکز بر شرایط ویژه ایران راهکارهای عملیاتی ارائه می‌کند.

۲. روش‌شناسی

۲.۱. رویکرد مرور نظام‌مند

این پژوهش از روش مرور نظام‌مند استفاده کرده است که به‌عنوان رویکردی ساختارمند برای جمع‌بندی و تحلیل مطالعات پیشین در زمینه حکمرانی اقتصادی و مقاوم‌سازی اقتصاد به‌کار می‌رود. هدف این روش، ارائه دیدگاهی جامع از شواهد موجود و شناسایی شکاف‌های پژوهشی است. فرایند پژوهش شامل مراحل زیر است:

۱. تعیین معیارهای انتخاب: مطالعات انتخاب‌شده شامل مقالات منتشرشده در نشریات معتبر (با نمایه در Scopus یا Web of Science) از سال ۲۰۱۵ به بعد بود که به‌طور مستقیم به موضوع حکمرانی اقتصادی، تکانش‌های اقتصادی یا مقاوم‌سازی اقتصاد پرداخته‌اند. معیارهای ورود شامل تمرکز بر سیاست‌های اقتصادی، تاب‌آوری در برابر شوک‌ها، یا تجارب جهانی در مدیریت بحران بود. مقالات غیر مرتبط یا فاقد روش‌شناسی قوی کنار گذاشته شد.

۲. جستجوی منابع: داده‌ها از پایگاه‌های اطلاعاتی Google Scholar، Web of Science و Scopus با استفاده از کلیدواژه‌هایی مانند "economic governance"، "sanctions"، "economic resilience" و "economic shocks" جمع‌آوری شد. جستجو در بازه زمانی ژانویه ۲۰۱۵ تا ژوئن ۲۰۲۵ انجام شد.

۳. غربالگری و انتخاب: از میان ۱۵۰ مقاله شناسایی شده، ۵۰ مقاله به دلیل ارتباط موضوعی انتخاب شد. پس از بررسی دقیق، هشت مطالعه کلیدی که معیارهای کیفی و روش‌شناختی را برآورده می‌کرد، برای تحلیل نهایی انتخاب شد.

۴. تحلیل داده‌ها: با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، یافته‌های کلیدی از مطالعات استخراج و دسته‌بندی شد. این تحلیل بر شناسایی الگوهای مشترک مانند نقش اصلاحات ساختاری، تنوع اقتصادی و سیاست‌های مالی و پولی متمرکز بود.

۵. ترکیب نتایج: نتایج مطالعات به صورت نظام‌مند ترکیب شد تا چارچوبی جامع برای مقاوم‌سازی اقتصاد ارائه شود. این فرایند شامل مقایسه تجارب جهانی و استخراج درس‌هایی برای ایران بود.

۲.۲. کیفیت شواهد

مطالعات انتخاب‌شده از نظر روش‌شناسی (مانند تحلیل داده‌های سری زمانی، الگوهای اقتصادسنجی و مطالعات موردی) و اعتبار منابع (نشریات معتبر و گزارش‌های بین‌المللی) ارزیابی شد تا اطمینان حاصل شود که شواهد از کیفیت مطلوبی برخوردار است.

۳. مرور ادبیات

۳.۱. پیشینه پژوهش

برای ارائه مرور جامع، این مطالعه حداقل هشت پژوهش کلیدی از سال ۲۰۱۵ به بعد را بررسی کرده است که به طور مستقیم به موضوع حکمرانی اقتصادی و مقاوم‌سازی در برابر تکانش‌های اقتصادی پرداخته‌اند. هر مطالعه با تأکید بر هدف، روش و نتایج آن تحلیل شده است:

(Giavazzi & Alesina, 2019): هدف این مطالعه بررسی تأثیر اصلاحات ساختاری بر تاب‌آوری اقتصادی در کشورهای اروپایی بود. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل داده‌های سری زمانی و الگوهای اقتصادسنجی، تأثیرات اصلاحات نهادی و مالی را در کشورهای اروپایی پس از بحران مالی ۲۰۰۸ بررسی کرده است. نتایج نشان داد که اصلاحات ساختاری مانند بهبود قوانین کار و کاهش

دیوان‌سالاری می‌تواند آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر شوک‌های مالی را کاهش دهد و به تسریع بهبود اقتصادی کمک کند. این مطالعه بر اهمیت هماهنگی بین سیاست‌های مالی و نهادی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که اصلاحات هدفمند می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی و سرمایه‌گذاری منجر شود. Lopez-Gonzalez & Baldwin (2016): این پژوهش با هدف تحلیل تأثیر زنجیره‌های تأمین جهانی بر تاب‌آوری اقتصادی انجام شد. روش تحقیق شامل تحلیل داده‌های تجارت جهانی و مطالعه موردی کشورهای درگیر در بحران‌های اقتصادی بود. نتایج نشان داد که تنوع اقتصادی و ایجاد زنجیره‌های تأمین مقاوم می‌تواند تأثیرات منفی شوک‌های خارجی مانند نوسانات قیمت کالاها را کاهش دهد. این مطالعه بر ضرورت سیاست‌های پولی منسجم و تقویت ارتباطات تجاری بین‌المللی تأکید کرد و پیشنهاد داد که کشورها با تنوع‌بخشی به شریکان تجاری خود، تاب‌آوری بیشتری به دست آورند.

Obstfeld & Gourinchas (2017): این مطالعه به بررسی نقش سیاست‌های مالی در مدیریت بحران‌های اقتصادی پرداخت. با استفاده از الگوهای نظری و تحلیل داده‌های تجربی از بحران مالی ۲۰۰۸، پژوهشگران نشان دادند که هماهنگی بین سیاست‌های مالی و پولی می‌تواند به بهبود سریع‌تر اقتصاد منجر شود. روش پژوهش شامل شبیه‌سازی‌های اقتصادسنجی و مقایسه سیاست‌های مالی کشورهای گوناگون بود. نتایج حاکی است که بسته‌های محرک مالی، به‌ویژه در بخش‌های زیرساختی، می‌تواند تقاضای کل را تقویت کند و تأثیرات منفی بحران‌ها را کاهش دهد.

Rodrik & Hausmann (2018): این پژوهش با هدف بررسی نقش تنوع اقتصادی در رشد و مقاوم‌سازی اقتصادهای در حال توسعه انجام شد. روش پژوهش شامل تحلیل داده‌های پنل از کشورهای در حال توسعه و مطالعه موردی اقتصادهای موفق بود. نتایج نشان داد که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و تنوع‌بخشی به بخش‌های اقتصادی مانند کشاورزی و فناوری می‌تواند وابستگی به منابع خام را کاهش دهد و اقتصاد را در برابر شوک‌های خارجی مقاوم‌تر کند. این مطالعه بر اهمیت سیاست‌های صنعتی هدفمند تأکید کرد.

Sugawara & Kose (2020): این مطالعه تأثیر تکانش‌های خارجی به‌ویژه تحریم‌ها را بر اقتصادهای در حال توسعه بررسی کرد. روش پژوهش شامل تحلیل داده‌های اقتصادی و مطالعه موردی کشورهای تحت تحریم بود. نتایج نشان داد که دیپلماسی اقتصادی فعال و ایجاد توافقات

تجاری منطقه‌ای می‌تواند تأثیرات منفی تحریم‌ها را کاهش دهد. این پژوهش بر ضرورت تقویت نهادهای مالی بین‌المللی و ایجاد ذخایر ارزی برای مدیریت شوک‌های خارجی تأکید کرد. (Rodrik (2016: این مطالعه با هدف تحلیل نقش نهادهای قوی در مقاوم‌سازی اقتصاد انجام شد. با استفاده از روش تحلیل تطبیقی و بررسی داده‌های تاریخی، پژوهشگر نشان داد که نهادهای شفاف و کارآمد می‌توانند با کاهش فساد و افزایش اعتماد عمومی، به مدیریت بهتر بحران‌های اقتصادی کمک کنند. نتایج این مطالعه بر اهمیت اصلاحات نهادی مانند تقویت نظام قضایی و قوانین ضد فساد تأکید کرد.

(Stiglitz (2019: این پژوهش به بررسی نقش سیاست‌های اجتماعی در کاهش نابرابری و افزایش تاب‌آوری اقتصادی پرداخت. روش پژوهش شامل تحلیل داده‌های جهانی و بررسی سیاست‌های اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته بود. نتایج نشان داد که برنامه‌های حمایتی مانند بیمه بیکاری و یارانه‌های هدفمند می‌تواند تأثیرات منفی بحران‌ها بر اقشار آسیب‌پذیر را کاهش دهد و به ثبات اجتماعی کمک کند. این مطالعه بر ضرورت تلفیق سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی تأکید کرد.

(Taylor (2015: این مطالعه تأثیر سیاست‌های پولی انبساطی در مدیریت بحران‌های مالی را بررسی کرد. با استفاده از الگوهای اقتصادسنجی و تحلیل داده‌های بحران ۲۰۰۸، پژوهشگر نشان داد که کاهش نرخ بهره و تزریق نقدینگی می‌تواند تقاضا را تحریک، و به بهبود اقتصادی کمک کند. نتایج این مطالعه بر اهمیت واکنش سریع بانک‌های مرکزی در برابر بحران‌ها تأکید کرد. این مطالعات پایه‌ای برای تحلیل‌های این مقاله فراهم کرده است و نشان‌دهنده اهمیت اصلاحات ساختاری، سیاست‌های مالی و پولی و تنوع اقتصادی در مقاوم‌سازی اقتصاد است.

۳.۲. حکمرانی اقتصادی

۱. تعریف حکمرانی اقتصادی

حکمرانی اقتصادی به مجموعه‌ای از اصول، نهادها و فرایندهایی اطلاق می‌شود که تصمیمات اقتصادی را هدایت و اجرا می‌کنند. این مفهوم شامل تعاملات میان دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است تا از طریق آن‌ها به اهداف اقتصادی مانند توسعه پایدار و عدالت اجتماعی دست یابند (Stiglitz, 2002, p. 10). بر اساس تعریف یونیدو (۲۰۰۴)، حکمرانی اقتصادی فرایندهایی را توصیف می‌کند که از طریق آن‌ها نهادهای گوناگون در طراحی و اجرای سیاست‌های اقتصادی

همکاری می‌کنند. این فرایندها شامل تنظیم مقررات، نظارت بر بازارها و مدیریت ریسک‌های اقتصادی است (UNIDO, 2004, p. 5).

۲. اهمیت حکمرانی اقتصادی

حکمرانی اقتصادی در تضمین کارایی و انصاف در نظام‌های اقتصادی نقش حیاتی دارد و اهمیت آن در چندین بعد آشکارا قابل مشاهده است:

- پایداری اقتصادی: حکمرانی اقتصادی مؤثر به پیشگیری از بحران‌های اقتصادی و حفظ ثبات بازار کمک می‌کند. راهبردهای حکمرانی مناسب می‌تواند به کاهش نوسانات اقتصادی و جلوگیری از بحران‌های مالی کمک کند (World Bank, 2000, p. 23).

- توسعه پایدار: با حکمرانی اقتصادی مناسب، تخصیص بهینه منابع امکان‌پذیر می‌شود و به این ترتیب، توسعه پایدار و رشد اقتصادی ممکن می‌شود. حکمرانی مناسب به ایجاد زیرساخت‌های مناسب و حمایت از نوآوری‌های اقتصادی کمک می‌کند (Rodrik, 2004, p. 55).

- عدالت اجتماعی: حکمرانی اقتصادی بر توزیع عادلانه درآمد و کاهش نابرابری‌های اقتصادی تأثیرگذار است. فرایندهای حکمرانی می‌تواند به تنظیم سیاست‌های مالی و مالیاتی کمک کند که به کاهش نابرابری و ارتقای عدالت اجتماعی منجر می‌شود (Sen, 1999, p. 88).

۳. ۳.۱. تکانش‌های اقتصادی

تکانش‌های اقتصادی به تغییرات ناگهانی و غیرمنتظره‌ای اشاره می‌کند که می‌تواند بر بازارها و اقتصادهای ملی و جهانی تأثیر بگذارد. این تغییرات می‌تواند شامل بحران‌های مالی، تغییرات سیاسی یا نوسانات عمده در قیمت‌های کالاها و خدمات باشد. این تکانش‌ها به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: تکانش‌های داخلی و تکانش‌های خارجی.

۳.۳.۱. تکانش‌های اقتصادی داخلی: این دسته شامل تغییرات در سیاست‌های پولی و مالی، نوسانات در بازار کار یا تحولات در ساختارهای صنعتی و فناوری است. برای مثال، تغییرات در سیاست‌های پولی بانک‌های مرکزی می‌تواند تأثیر زیادی بر نرخ بهره و نرخ ارز داشته باشد (Blanchard, 2009, p. 145). برای مثال، افزایش نرخ بهره می‌تواند به کاهش سرمایه‌گذاری منجر شود، در حالی که کاهش نرخ بهره تقاضا را تحریک می‌کند (Mankiw, 2021).

تکانش‌های داخلی به تغییرات و شوک‌هایی اشاره می‌کند که در درون اقتصاد رخ می‌دهد و می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- تغییرات در سیاست‌های پولی و مالی: تغییرات در سیاست‌های پولی بانک‌های مرکزی مانند تغییر نرخ بهره یا اجرای سیاست‌های پولی انبساطی و انقباضی می‌تواند تأثیر زیادی بر اقتصاد داشته باشد. افزایش نرخ بهره می‌تواند به کاهش سرمایه‌گذاری و مصرف منجر شود، در حالی که کاهش نرخ بهره می‌تواند به تحریک تقاضا و رشد اقتصادی کمک کند (Blanchard, 2009, p. 157).

- نوسانات در بازار کار: تغییرات در سطح اشتغال، دستمزدها و نرخ بیکاری می‌تواند به تغییرات در تقاضای کل و تولید اقتصادی منجر شود. نوسانات شدید در بازار کار می‌تواند به بحران‌های اقتصادی محلی یا ملی منجر شود. برای مثال، کاهش سریع در اشتغال می‌تواند به کاهش شدید درآمد خانوارها و تقاضا منجر شود (Mankiw, 2021, p. 198).

- تحولات در ساختارهای صنعتی و فناوری: پیشرفت‌های فناوری یا تغییرات در ساختارهای صنعتی می‌تواند به تغییرات عمده در تولید و بهره‌وری اقتصادی منجر شود. این تغییرات می‌تواند به ایجاد یا از بین رفتن صنایع و مشاغل منجر شود. تغییرات فناوری ممکن است به تغییرات در تقاضای نیروی کار و ساختارهای اقتصادی منجر شود (Rodrik, 2004, p. 73).

۳.۳.۲. تکانش‌های اقتصادی خارجی: این دسته تکانش‌ها شوک‌هایی است که از خارج از مرزها وارد می‌شود و می‌تواند شامل بحران‌های اقتصادی جهانی، تغییرات قیمت جهانی کالاها یا تغییرات در شرایط اقتصادی کشورهای تجاری اصلی باشد (Obstfeld & Rogoff, 2009, p. 112). تکانش‌های خارجی شامل بحران‌های مالی جهانی، تغییرات قیمت کالاها و تحریم‌ها هستند (Rogoff & Reinhart, 2009). تحریم‌ها می‌تواند دسترسی به بازارهای بین‌المللی را محدود کند و سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش دهد (Hufbauer et al., 2007). برای مثال، تحریم‌های نفتی می‌تواند به کاهش درآمد‌های ملی و مشکلات تأمین منابع منجر شوند (Pape, 1997). تکانش‌های خارجی به شوک‌هایی اطلاق می‌شود که از خارج مرزهای کشور تأثیر می‌گذارند و شامل موارد زیر است:

- بحران‌های اقتصادی جهانی: بحران‌های مالی جهانی مانند بحران مالی ۲۰۰۸ می‌تواند به نوسانات شدید در بازارهای مالی و اقتصادی کشورها منجر شود. این بحران‌ها معمولاً به دلیل مشکلات اقتصادی و مالی در کشورهای بزرگ و تأثیرات متقابل آنها به وجود می‌آید (Reinhart & Rogoff, 2009, p. 45).

- تغییرات در قیمت‌های جهانی کالاها: نوسانات در قیمت‌های جهانی کالاها مانند نفت و مواد اولیه می‌تواند تأثیرات زیادی بر کشورهای صادرکننده و واردکننده این کالاها داشته باشد. افزایش یا کاهش قیمت‌های جهانی می‌تواند به تغییرات عمده در تعادل تجاری و درآمدهای ملی منجر شود (Hamilton, 2009, p. 89).

- تغییرات در شرایط اقتصادی کشورهای تجاری اصلی: تغییرات در شرایط اقتصادی کشورهای تجاری اصلی می‌تواند به تغییرات در تقاضا برای صادرات و واردات منجر شود و به نوبه خود بر اقتصاد کشورهای وابسته تأثیر بگذارد. به عنوان مثال، رکود اقتصادی در کشورهای بزرگ می‌تواند به کاهش تقاضا برای صادرات کشورهایی منجر شود که به این بازارها وابسته هستند (Obstfeld & Rogoff, 2009, p. 120).

۳.۴. تحریم‌ها به عنوان یکی از عوامل تکانش‌های خارجی

تحریم‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل تکانش‌های خارجی است که می‌تواند تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر اقتصاد کشورهای هدف داشته باشد. تحریم‌ها معمولاً به منظور فشار اقتصادی و سیاسی بر کشورهای خاص وضع می‌شود و می‌تواند تأثیرات زیر را به دنبال داشته باشد:

۱. کاهش دسترسی به بازارهای بین‌المللی: تحریم‌ها می‌تواند به محدودیت‌های شدید در تجارت بین‌المللی منجر شود و صادرات و واردات کشور مورد تحریم را محدود کند. این امر می‌تواند سبب کاهش درآمدهای ملی و مشکلات در تأمین کالاهای اساسی و فناوری‌های پیشرفته شود. بر اساس پژوهش‌های فابتر و شات، تحریم‌ها می‌تواند به کاهش قابل توجهی در حجم تجارت و درآمدهای ملی منجر شود (Hufbauer, Schott, & Elliott, 2007, p. 45).

۲. تأثیر بر سرمایه‌گذاری خارجی: تحریم‌ها به طور مستقیم بر جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی تأثیر می‌گذارد؛ زیرا شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران به دلیل ریسک‌های قانونی و اقتصادی از سرمایه‌گذاری در کشورهای تحت تحریم پرهیز می‌کنند. این امر می‌تواند به کاهش رشد اقتصادی و اشتغال منجر شود (Kreps & Yoon, 2020, p. 78).

۳. تأثیر بر بخش‌های خاص اقتصادی: تحریم‌ها معمولاً بر بخش‌های خاصی از اقتصاد مانند انرژی، مالی و فناوری‌های پیشرفته تأثیر می‌گذارد. برای مثال، تحریم‌های نفتی می‌تواند به کاهش درآمدهای نفتی و مشکلات در تأمین منابع انرژی منجر شود (Pape, 1997, p. 110).

۴. پیامدهای اجتماعی و انسانی: علاوه بر تأثیرات اقتصادی، تحریم‌ها می‌تواند پیامدهای منفی اجتماعی و انسانی نیز به همراه داشته باشد. این پیامدها شامل کاهش دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی و دیگر خدمات عمومی می‌شود (Egeland, 2019, p. 92).

به‌طور کلی، تحریم‌ها به‌عنوان یکی از عوامل مهم تکانش‌های خارجی می‌تواند تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر اقتصاد کشورها داشته باشد. مدیریت صحیح این تحریم‌ها و تلاش برای کاهش آثار منفی آن‌ها برای حکمرانی اقتصادی مؤثر ضروری است.

۵.۳. بحران‌های اقتصادی

بحران‌های اقتصادی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن نظام‌های اقتصادی یک کشور یا منطقه با اختلالات شدید روبه‌رو می‌شود که می‌تواند به رکود اقتصادی، افزایش بیکاری و نوسانات گسترده در بازارهای مالی منجر شود (International Monetary Fund, 2022, p. 15). این بحران‌ها ممکن است به دلایل گوناگون از جمله بحران‌های مالی جهانی، بحران‌های ارزی یا ناپایداری سیاسی بروز کند و تأثیرات قابل توجهی بر رشد اقتصادی و ثبات مالی داشته باشد (World Bank, 2023, p. 78). مدیریت بحران‌های اقتصادی نیازمند رویکردهای جامع و راهبردی است که شامل اجرای سیاست‌های اقتصادی مناسب، تقویت سامانه‌های نظارتی و مالی و حمایت از بخش‌های آسیب‌پذیر جامعه می‌شود (OECD, 2023, p. 42). در این راستا، تحلیل دقیق علل و پیامدهای بحران‌ها و اجرای تدابیر کارآمد برای کاهش تأثیرات آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Rodrik, 2020, p. 88). پیامدهای آن‌ها شامل رکود اقتصادی، افزایش نابرابری و مشکلات اجتماعی و سیاسی است (Piketty, 2014).

۱. ۵.۳. علل بروز بحران‌های اقتصادی

- عدم تعادل مالی: بحران‌های اقتصادی می‌تواند به دلیل عدم تعادل در بخش مالی اقتصاد مانند افزایش بدهی‌ها و عدم کفایت سرمایه‌گذاری بروز کند. برای مثال، بحران بدهی‌های دولتی در یونان یکی از نمونه‌های روشن این وضعیت است (Gourinchas & Obstfeld, 2012, p. 85).

- خود تقویت‌کننده‌های منفی: بحران‌های اقتصادی می‌تواند به دلیل خود تقویت‌کننده‌های منفی مانند کاهش اعتماد مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران و به دنبال آن کاهش تقاضا و تولید بروز کند (Kindleberger & Aliber, 2005, p. 93).

- شوک‌های خارجی: شوک‌های خارجی مانند تغییرات ناگهانی در قیمت‌های جهانی کالاها یا بحران‌های مالی جهانی می‌تواند به بحران‌های اقتصادی داخلی منجر شود (Reinhart & Rogoff, 2009, p. 112).

- پاسخ‌های نادرست به بحران: سیاست‌های نادرست یا ناکافی در پاسخ به بحران‌های اقتصادی مانند سیاست‌های مالی یا پولی ناکافی می‌تواند وضعیت بحران را تشدید کند (IMF, 2011, p. 48).

۲.۵.۳. پیامدهای بحران‌های اقتصادی

- رکود اقتصادی: بحران‌های اقتصادی معمولاً به رکود اقتصادی منجر می‌شود که با کاهش تولید، اشتغال و درآمدها همراه است. رکود اقتصادی می‌تواند به افزایش بیکاری و کاهش سطح زندگی مردم منجر شود (Blanchard, 2009, p. 173).

- نابرابری اقتصادی: بحران‌های اقتصادی می‌تواند به افزایش نابرابری اقتصادی منجر شود؛ زیرا افراد و گروه‌های اجتماعی که به منابع اقتصادی بیشتری دسترسی دارند، معمولاً کمتر تحت تأثیر بحران‌ها قرار می‌گیرند (Piketty, 2014, p. 205).

- مشکلات اجتماعی و سیاسی: بحران‌های اقتصادی می‌تواند به مشکلات اجتماعی و سیاسی مانند نارضایتی عمومی، ناآرامی‌های اجتماعی و تغییرات سیاسی منجر شود (Acemoglu & Robinson, 2012, p. 132).

- تغییرات در سیاست‌ها و مقررات: به‌منظور رویارویی با بحران‌ها، ممکن است به تغییرات عمده در سیاست‌ها و مقررات اقتصادی مانند اصلاحات مالیاتی یا تغییرات در قوانین نظارتی نیاز باشد (IMF, 2011, p. 76).

۴. یافته‌ها

۴.۱. حکمرانی اقتصادی

۱.۱.۴. مفهوم حکمرانی اقتصادی

حکمرانی اقتصادی به گونه‌ای از مدیریت و نظارت بر فرایندهای اقتصادی اطلاق می‌شود که هدف آن بهبود عملکرد اقتصادی، افزایش شفافیت و ارتقای پایداری و رشد اقتصادی است. این مفهوم شامل فرایندهای تصمیم‌گیری، ایجاد و اجرای سیاست‌ها و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات اقتصادی است. حکمرانی اقتصادی مؤثر می‌تواند به تقویت ظرفیت‌های مقاوم‌سازی اقتصاد و کاهش آسیب‌پذیری در برابر بحران‌ها و تکانش‌ها کمک کند (OECD, 2015, p. 103).

۲. ۱. ۴. الگوهای گوناگون حکمرانی اقتصادی

الگوهای گوناگون حکمرانی اقتصادی به مجموعه‌ای از رویکردها و راهبردهایی اطلاق می‌شود که کشورها برای مدیریت منابع اقتصادی، تنظیم سیاست‌ها و ایجاد بستر مناسب برای رشد اقتصادی به کار می‌برند. این الگوها می‌تواند شامل حکمرانی بازار آزاد، حکمرانی مداخله‌گر و حکمرانی مختلط باشد که هر یک ویژگی‌ها و چالش‌های خاص خود را دارد (World Bank, 2022, p. 34). حکمرانی بازار آزاد بر اساس اصول کاهش دخالت دولت و اعتماد به سازوکارهای بازار برای تخصیص منابع است، در حالی که حکمرانی مداخله‌گر به نقش فعال دولت در هدایت اقتصاد و تنظیم بازارها تأکید می‌کند (International Monetary Fund, 2021, p. 48). الگوهای مختلط که به ترکیب ویژگی‌های هر دو رویکرد بازار آزاد و مداخله‌گر می‌پردازند، سعی در بهره‌برداری از مزایای هر دو رویکرد دارد تا تعادل مناسبی میان آزادی‌های اقتصادی و نقش دولت برقرار کند (OECD, 2023, p. 65). این الگوها به کشورهای گوناگون کمک می‌کند تا راهبردهای اقتصادی مناسب خود را برای دستیابی به رشد پایدار و بهبود شرایط اقتصادی انتخاب کنند و می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای تحلیل و مقایسه عملکرد اقتصادی کشورها مورد استفاده قرار گیرد (Rodrik, 2020, p. 77).

این الگوها به تفکیک میزان مداخله دولت‌ها عبارت است از:

۱. ۲. ۴. حکمرانی اقتصادی دولتی

- الگوی دولتی سنتی: در این الگو، دولت نقش اصلی در مدیریت و نظارت بر اقتصاد را بر عهده دارد و مسئولیت‌های کلیدی مانند سیاست‌گذاری اقتصادی، تنظیم بازارها و مدیریت منابع عمومی را به عهده می‌گیرد. این الگو معمولاً شامل اجرای سیاست‌های مالی و پولی، نظارت بر بانک‌ها و تنظیم قوانین اقتصادی است (Blanchard, 2009, p. 220).

- الگوی دولت رفاه: الگوی دولت رفاه شامل نقش گسترده دولت در تأمین خدمات اجتماعی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر است. این الگو معمولاً شامل سیاست‌های اجتماعی مانند بیمه بیکاری، مراقبت‌های بهداشتی و آموزش عمومی است. هدف اصلی این الگو، کاهش نابرابری‌ها و حمایت از رفاه اجتماعی است (Esping-Andersen, 1990, p. 45).

۲.۱.۴. حکمرانی اقتصادی بازارمحور

- الگوی بازار آزاد: در این الگو، بازارها و نهادهای خصوصی نقش اصلی در مدیریت و تخصیص منابع اقتصادی را بر عهده دارند و دولت به حداقل مداخله در فرایندهای اقتصادی می‌پردازد. این الگو بر اساس اصول بازار آزاد، رقابت، و کارایی استوار است و هدف آن بهبود بهره‌وری و رشد اقتصادی از راه رقابت و ابتکار عمل است (Friedman, 2002, p. 60).

- الگوی اقتصادی نهادگرا: این الگو بر اهمیت نهادهای اقتصادی و قوانین در شکل‌گیری عملکرد اقتصادی تأکید می‌کند. در این الگو، نهادها و مقررات اقتصادی به‌عنوان عوامل کلیدی در بهبود کارایی و کاهش هزینه‌های معاملاتی شناخته می‌شوند. این الگو معمولاً شامل تأسیس و تقویت نهادهای قانونی و نظارتی برای ارتقای شفافیت و کارایی بازارها است (North, 1990, p. 25).

۳.۱.۴. حکمرانی اقتصادی ترکیبی

- الگوهای ترکیبی: در این الگوها، ترکیبی از رویکردهای دولتی و بازارمحور به‌کار می‌رود. دولت و بخش خصوصی به‌طور مشترک در مدیریت و نظارت بر اقتصاد مشارکت می‌کنند. این الگو معمولاً شامل سیاست‌های ترکیبی برای حمایت از رشد اقتصادی، تقویت شفافیت و کاهش نابرابری‌ها است (Rodrik, 2004, p. 95).

۴.۱.۴. الگوهای مشارکتی

این الگوها بر اساس مشارکت فعال ذی‌نفعان گوناگون از جمله دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی در فرایندهای اقتصادی استوار است. هدف این الگوها بهبود کارایی و پاسخگویی از طریق مشارکت و تعامل میان ذی‌نفعان گوناگون است (Putnam, 2000, p. 110).

۲.۴. مقاومت‌سازی اقتصاد

۱.۲.۴. مفهوم مقاومت‌سازی اقتصاد

مقاومت‌سازی اقتصاد به مجموعه‌ای از راهبردها و اقدامات اطلاق می‌شود که به‌منظور کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد نسبت به تکانش‌ها و بحران‌های اقتصادی طراحی می‌شود (OECD, 2014). هدف اصلی این فرایند افزایش توانمندی اقتصاد در برابر شوک‌ها و بحران‌های احتمالی و بهبود ظرفیت آن برای بازگشت به حالت تعادل و رشد پایدار است. مقاومت‌سازی اقتصادی شامل اقدامات گوناگونی است که می‌تواند به تقویت ساختارهای اقتصادی، کاهش ریسک‌ها و بهبود انعطاف‌پذیری اقتصادی کمک کند (OECD, 2014, p. 92).

۴.۲.۲. ضرورت مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تکانش‌ها و بحران‌های اقتصادی

مقاوم‌سازی اقتصاد به‌عنوان راهبردی کلیدی در مدیریت بحران‌ها و تکانش‌های اقتصادی، به افزایش ثبات و پایداری در برابر نوسانات اقتصادی کمک می‌کند. بحران‌های اقتصادی و تکانش‌ها می‌تواند به‌طور جدی به عملکرد اقتصادی آسیب برساند و به کاهش تولید، افزایش بیکاری و بی‌ثباتی اجتماعی منجر شود (Rose, 2009, p. 125). مقاوم‌سازی اقتصادی شامل تقویت زیرساخت‌های اقتصادی، بهبود قوانین و مقررات مالی و اجرای سیاست‌های اقتصادی مناسب است که به کشورها کمک می‌کند تا به‌طور مؤثرتری به شوک‌های اقتصادی پاسخ، و آثار منفی آنها را کاهش دهند (IMF, 2014, p. 45). به‌عنوان مثال، تحلیل‌های اقتصادی نشان می‌دهد کشورهایی که توانسته‌اند زیرساخت‌های اقتصادی خود را تقویت، و نهادهای مالی خود را اصلاح کنند، به‌طور چشمگیری کمتر تحت تأثیر بحران‌های جهانی قرار گرفته، و توانسته‌اند بهبودهای پایدارتر و سریع‌تری را تجربه کنند (World Bank, 2015, p. 62).

افزون بر این، مقاوم‌سازی اقتصادی به کشورها این امکان را می‌دهد تا با استفاده از سیاست‌های مالی و پولی مؤثر، به بهبود وضعیت اقتصادی خود بپردازند و از وقوع بحران‌های عمیق‌تر جلوگیری کنند. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد کشورهایی که به‌طور فعال به مقاوم‌سازی اقتصادی پرداخته‌اند، توانسته‌اند به‌طور قابل‌توجهی تأثیرات منفی بحران‌ها را کاهش دهند و به رشد پایدار دست یابند (Devarajan, 2013, p. 30). به‌طور کلی مقاوم‌سازی اقتصادی به کشورها کمک می‌کند تا نه‌تنها در برابر بحران‌ها و تکانش‌های اقتصادی مقاوم‌تر شوند، بلکه به ایجاد پایه‌های اقتصادی پایدارتر و بهبود رفاه اجتماعی نیز منجر می‌شود.

۴.۲.۳. روش‌های مقاوم‌سازی اقتصاد

مقاوم‌سازی اقتصاد به مجموعه‌ای از راهبردها و روش‌ها اطلاق می‌شود که هدف آن افزایش تاب‌آوری و کاهش آسیب‌پذیری اقتصادها در برابر بحران‌های اقتصادی و شوک‌های خارجی است (World Bank, 2023). این فرایند شامل تقویت زیرساخت‌های اقتصادی، تنوع‌بخشی به منابع درآمدی و بهبود سامانه‌های مالی و نظارتی می‌شود تا اقتصاد بتواند به‌طور مؤثر با چالش‌ها و نوسانات بازار مقابله کند (International Monetary Fund, 2022). روش‌های مقاوم‌سازی معمولاً شامل تقویت سرمایه‌گذاری در بخش‌های کلیدی مانند بهداشت، آموزش و فناوری اطلاعات و همچنین بهبود سیاست‌های مالی و پولی برای مدیریت بهتر بحران‌ها است (OECD, 2023).

یکی از مفاهیم کلیدی در مقاومت‌سازی اقتصادی، ایجاد سامانه‌های مالی انعطاف‌پذیر و متنوع است که می‌تواند به کاهش تأثیرات منفی بحران‌ها و نوسانات اقتصادی کمک کند (United Nations Conference on Trade and Development, 2024). علاوه بر این، توجه به توسعه پایدار و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های زیست‌محیطی نیز به‌عنوان بخشی از راهبردهای مقاومت‌سازی اقتصادی در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا این موارد می‌تواند به ایجاد پایه‌ای قوی‌تر برای رشد پایدار و کاهش آسیب‌پذیری در برابر بحران‌ها کمک کند (Rodrik, 2020).

۱.۳.۲. تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و نهادی

تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و نهادی یکی از ارکان کلیدی برای توسعه پایدار و مقاومت‌سازی اقتصاد است. زیرساخت‌های اقتصادی شامل شبکه‌های حمل و نقل، انرژی و فناوری اطلاعات است که تأثیر زیادی بر کارایی و رشد اقتصادی دارند (World Bank, 2023, p. 112). بهبود این زیرساخت‌ها می‌تواند به کاهش هزینه‌های تولید، آسان‌سازی تجارت و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی کمک کند (OECD, 2022, p. 58). از سوی دیگر، تقویت نهادها شامل بهبود سامانه‌های قانونی، نظارتی و مدیریتی است که به ایجاد محیط کسب‌وکار پایدار و کارآمد کمک می‌کند (International Monetary Fund, 2022, p. 95).

این تقویت زیرساخت‌ها و نهادها نه تنها به رشد اقتصادی پایدار کمک می‌کند بلکه به ایجاد ظرفیت‌های بهتر برای مدیریت بحران‌ها و شوک‌های اقتصادی نیز مؤثر است (Rodrik, 2020, p. 101). ارتقای زیرساخت‌های نهادی به تقویت اعتماد عمومی و بهبود محیط سرمایه‌گذاری نیز کمک می‌کند، که در نهایت به تقویت پایه‌های اقتصادی و افزایش تاب‌آوری اقتصادی منجر می‌شود (United Nations Conference on Trade and Development, 2024, p. 130). این مهم از طریق روش‌های زیر قابل انجام است:

- تحکیم سامانه مالی: تقویت سامانه مالی از طریق افزایش نظارت و مقررات، ارتقای شفافیت و بهبود مدیریت ریسک می‌تواند به افزایش پایداری مالی کمک کند. به‌عنوان مثال، ایجاد قوانین و مقررات مالی که به کاهش ریسک‌های بانکی و افزایش مقاومت در برابر بحران‌های مالی کمک کند، جزء این اقدامات است (Basel Committee on Banking Supervision, 2015, p. 40).

- ارتقای زیرساخت‌های اقتصادی: سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کلیدی مانند حمل و نقل، انرژی و ارتباطات می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی و افزایش ظرفیت پاسخگویی به بحران‌ها

کمک کند. زیرساخت‌های قوی و مدرن می‌تواند به بهبود کارایی و بهره‌وری اقتصادی کمک کند (World Bank, 2018, p. 56).

- اصلاحات نهادی: بهبود ساختارهای نهادی و قانونی، شامل تقویت نهادهای حکومتی و کاهش فساد می‌تواند به افزایش توانمندی اقتصاد در برابر تکانش‌ها و بحران‌های اقتصادی کمک کند. نهادهای قوی و کارآمد می‌تواند به بهبود مدیریت بحران و سیاست‌گذاری اقتصادی کمک کند (Rodrik, 2004, p. 125).

۲.۳.۴. تقویت تنوع بخشی اقتصادی

- تنوع بخشی اقتصادی: تکیه به چندین بخش اقتصادی به جای تمرکز بر یک بخش خاص می‌تواند به کاهش آسیب پذیری اقتصاد در برابر تکانش‌های خارجی کمک کند. برای مثال، تنوع در بخش‌های صنعتی و خدماتی می‌تواند به کاهش تأثیر نوسانات بر کل اقتصاد منجر شود (Klinger & Lederman, 2004, p. 89).

- توسعه صادرات و بازارهای جدید: افزایش تنوع در بازارهای صادراتی و جستجوی فرصت‌های جدید برای صادرات می‌تواند به کاهش وابستگی به بازارهای خارجی خاص و بهبود مقاومت در برابر شوک‌های خارجی کمک کند (Freund & Bolaky, 2008, p. 62).

۳.۳.۴. مدیریت مالی و اقتصادی پایدار

- مدیریت بدهی‌ها و ذخایر: ایجاد ذخایر مالی مناسب و مدیریت بدهی‌های دولتی به منظور حفظ ثبات اقتصادی در دوران بحران‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اقدامات می‌تواند به کاهش ریسک‌های مالی و بهبود ظرفیت پاسخگویی به بحران‌ها کمک کند (IMF, 2011, p. 55).

- تقویت سیاست‌های مالی و پولی: اجرای سیاست‌های مالی و پولی مؤثر، از جمله مدیریت نرخ بهره، تنظیم هزینه‌های دولتی و کنترل تورم می‌تواند به بهبود ثبات اقتصادی و کاهش آسیب پذیری در برابر بحران‌ها کمک کند (Blanchard, 2009, p. 173).

۴.۳.۴. بهبود آموزش و ظرفیت‌های انسانی

- سرمایه گذاری در آموزش و توسعه مهارت‌ها: بهبود کیفیت آموزش و ارتقای مهارت‌های نیروی کار می‌تواند به افزایش ظرفیت تولید و کاهش تأثیرات منفی بحران‌های اقتصادی بر اشتغال و درآمدها کمک کند. آموزش بهتر می‌تواند به نیروی کار کمک کند تا با تغییرات اقتصادی سازگارتر شود و به نیازهای بازار کار پاسخ دهد (Hanushek & Woessmann, 2015, p. 112).

- تقویت سامانه‌های اجتماعی: ایجاد شبکه‌های حمایت اجتماعی، از جمله بیمه‌های اجتماعی و برنامه‌های حمایتی می‌تواند به کاهش تأثیرات منفی بحران‌ها بر افراد و خانواده‌ها کمک کند (World Bank, 2019, p. 80).

۴.۳. تأثیر الگوهای حکمرانی اقتصادی بر مقاومت‌سازی اقتصاد

۴.۳.۱. تأثیر الگوی دولتی سنتی

الگوی دولتی سنتی می‌تواند از طریق تنظیم و نظارت مؤثر بر بخش‌های کلیدی اقتصادی و ایجاد سیاست‌های حمایتی به مقاومت‌سازی اقتصاد کمک کند. دولت‌های با رویکرد دولتی سنتی معمولاً توانایی بیشتری در مدیریت بحران‌ها و تأمین منابع عمومی دارند، اما ممکن است در زمینه کارایی و ابتکار عمل با مشکلاتی روبه‌رو شوند (Blanchard, 2009, p. 230).

۴.۳.۲. تأثیر الگوی بازار آزاد

الگوی بازار آزاد می‌تواند از راه افزایش بهره‌وری و تشویق به نوآوری به مقاومت‌سازی اقتصاد کمک کند. با کاهش مداخله دولت و تقویت رقابت، این الگو می‌تواند به ایجاد اقتصاد پویا و انعطاف‌پذیر منجر شود، اما این الگو ممکن است به افزایش نابرابری‌ها و توجه نکردن به مسائل اجتماعی منجر شود (Friedman, 2002, p. 65).

۴.۳.۳. تأثیر الگوی نهادگرا

الگوی نهادگرا می‌تواند از طریق تقویت نهادهای قانونی و نظارتی و کاهش هزینه‌های معاملاتی به مقاومت‌سازی اقتصاد کمک کند. این الگو بر اهمیت نهادهای اقتصادی در بهبود کارایی و کاهش فساد تأکید می‌کند. تقویت نهادها می‌تواند به بهبود شفافیت و افزایش اعتماد به بازارها کمک کند (North, 1990, p. 30).

۴.۳.۴. تأثیر الگوی ترکیبی و مشارکتی

الگوهای ترکیبی و مشارکتی می‌تواند از طریق بهره‌برداری از مزایای هر دو رویکرد دولتی و بازارمحور به مقاومت‌سازی اقتصاد کمک کند. این الگوها می‌تواند به تقویت شفافیت، افزایش کارایی و بهبود پاسخگویی اقتصادی کمک کند. مشارکت فعال ذی‌نفعان گوناگون می‌تواند به بهبود هماهنگی و کاهش تنش‌های اقتصادی کمک کند (Rodrik, 2004, p. 105; Putnam, 2000, p. 120).

۵.۳.۴. تأثیر تحریم‌ها بر حکمرانی اقتصادی

تحریم‌ها به‌عنوان یکی از عوامل تکانش خارجی می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر حکمرانی اقتصادی داشته باشد. تحریم‌ها معمولاً به محدودیت‌های اقتصادی و تجاری منجر می‌شود که می‌تواند به کاهش درآمدها، کاهش سرمایه‌گذاری و مشکلات در تأمین کالاهای اساسی منجر شود. این تأثیرات می‌تواند به تغییر در سیاست‌های اقتصادی و حکمرانی منجر شود (Hufbauer, Schott, & Elliott, 2007, p. 60). تحریم‌ها می‌تواند به تغییر در سیاست‌های اقتصادی و حکمرانی منجر شود؛ به‌ویژه اگر کشورها به جستجوی راه‌های جدید برای رویارویی با تأثیرات منفی تحریم‌ها مجبور شوند. این تغییرات ممکن است شامل اصلاحات در سیاست‌های اقتصادی، بهبود مدیریت منابع، و تقویت نهادهای نظارتی باشد (Kreps & Yoon, 2020, p. 85).

۴.۴. تجربه جهانی رویارویی با تکانش‌های اقتصادی

در این بخش، به بررسی نمونه‌های گوناگون از کشورها و نهادهایی خواهیم پرداخت که در رویارویی با تکانش‌های اقتصادی موفق عمل کرده‌اند. برای هر نمونه، به تحلیل اقدامات، راهبردها و الگوهای حکمرانی اقتصادی خواهیم پرداخت که سبب موفقیت آن‌ها شده است.

۱. آلمان: مدیریت بحران مالی جهانی ۲۰۰۸

آلمان به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرو در اروپا، در مدیریت بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، موفقیت‌های قابل توجهی به‌دست آورد. در این دوران، دولت آلمان با ارائه بسته‌های حمایتی مالی گسترده و اجرای سیاست‌های پولی انبساطی، به تثبیت اقتصاد خود و دیگر کشورهای اتحادیه اروپا کمک کرد. این بسته‌ها شامل حمایت از بخش مالی، کاهش مالیات‌ها و سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیرساختی بود که به ایجاد شغل و تقویت مصرف داخلی منجر شد (Bordo, 2012, p. 145). علاوه بر اقدامات مالی، آلمان به تقویت نظارت بر بخش مالی و بهبود قوانین و مقررات بانکی پرداخت. این اقدامات شامل تقویت قوانین سرمایه‌گذاری و نظارت بر فعالیت‌های مالی بود که به کاهش ریسک‌های سیستماتیک کمک کرد. از سوی دیگر، بانک مرکزی آلمان با اجرای سیاست‌های پولی مناسب و کاهش نرخ بهره، نقش مهمی در کاهش هزینه‌های استقراض و تحریک فعالیت‌های اقتصادی ایفا کرد (Bordo, 2012, p. 148). الگوی حکمرانی اقتصادی آلمان در این بحران، با تمرکز بر سیاست‌های مالی و پولی منسجم و تقویت نظارت بر بخش مالی، به موفقیت قابل توجهی

دست یافت. این الگو نشان‌دهنده اهمیت هماهنگی بین سیاست‌های مالی و پولی در رویارویی با بحران‌های اقتصادی است (Bordo, 2012, p. 150).

۲. کره جنوبی: بحران مالی آسیا ۱۹۹۷ - ۱۹۹۸

کره جنوبی یکی از کشورهایی است که با موفقیت به مدیریت بحران مالی آسیا در سال‌های ۱۹۹۷ - ۱۹۹۸ پرداخت. این کشور با پذیرش کمک‌های مالی از صندوق بین‌المللی پول (IMF) و اجرای برنامه‌های اصلاحی اقتصادی، به بهبود وضعیت اقتصادی خود پرداخت. برنامه‌های اصلاحی شامل تغییرات عمده در بخش‌های بانکی و مالی، بهبود نظارت بر بازارهای مالی و اجرای اصلاحات ساختاری بود که به بازسازی اقتصاد کمک کرد (Radelet & Sachs, 2000, p. 104). در این دوره، کره جنوبی با تمرکز بر سیاست‌های انضباط مالی و بهبود ساختار اقتصادی، موفق به کنترل نرخ تورم و کاهش نرخ بیکاری شد؛ همچنین دولت کره جنوبی با استفاده از سیاست‌های مالی و پولی، به تقویت بخش خصوصی و افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها پرداخت (Radelet & Sachs, 2000, p. 108). الگوی حکمرانی اقتصادی کره جنوبی در این بحران، با تأکید بر اصلاحات ساختاری و تقویت نظارت بر بخش مالی، به بازسازی سریع اقتصاد و بهبود وضعیت مالی کشور کمک کرد. این الگو نشان‌دهنده اهمیت اصلاحات ساختاری و انضباط مالی در مدیریت بحران‌های اقتصادی است (Radelet & Sachs, 2000, p. 110).

۳. شیلی: بحران اقتصادی ۱۹۸۲

شیلی در رویارویی با بحران اقتصادی ۱۹۸۲، از الگوهای حکمرانی اقتصادی خاصی استفاده کرد که شامل اصلاحات ساختاری و خصوصی‌سازی گسترده بود. در این دوره، شیلی با استفاده از سیاست‌های اقتصادی جدید به بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش آثار بحران پرداخت. این اصلاحات شامل آزادسازی بازارها، کاهش مداخلات دولتی و خصوصی‌سازی صنایع دولتی بود که به بهبود کارایی اقتصادی و افزایش رشد اقتصادی کمک کرد (Fischer, 1993, p. 67). علاوه بر اصلاحات اقتصادی، شیلی به تقویت نظام مالی و نظارت بر بخش‌های مالی پرداخت. این اقدامات شامل بهبود قوانین و مقررات بانکی و نظارت بر فعالیت‌های مالی بود که به کاهش ریسک‌های مالی و افزایش ثبات اقتصادی کمک کرد (Fischer, 1993, p. 70)؛ همچنین دولت شیلی با ارائه بسته‌های حمایتی و کاهش مالیات‌ها به تقویت تقاضای داخلی و افزایش مصرف پرداخت (Fischer, 1993, p. 73). الگوی حکمرانی اقتصادی شیلی در این بحران، با تمرکز بر اصلاحات ساختاری و تقویت نظارت

مالی، به موفقیت قابل توجهی دست یافت. این الگو نشان‌دهنده اهمیت اصلاحات ساختاری و خصوصی‌سازی در مدیریت بحران‌های اقتصادی است (Fischer, 1993, p. 75).

۴. سنگاپور: بحران اقتصادی جهانی ۲۰۰۸

سنگاپور در رویارویی با بحران اقتصادی جهانی ۲۰۰۸، با استفاده از بسته‌های حمایتی مالی و سیاست‌های انبساطی به موفقیت در مدیریت بحران پرداخت. دولت سنگاپور با ارائه بسته‌های نجات برای کسب‌وکارها و سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیرساختی، به تقویت اقتصاد و افزایش اشتغال پرداخت (McCauley, 2008, p. 112). این اقدامات شامل افزایش هزینه‌های دولتی و حمایت از بخش‌های آسیب‌پذیر بود که به تقویت تقاضای داخلی و بهبود وضعیت اقتصادی کمک کرد. علاوه بر بسته‌های حمایتی، سنگاپور به تقویت نظارت بر بخش مالی و بهبود قوانین و مقررات بانکی پرداخت. این اقدامات شامل تقویت قوانین سرمایه‌گذاری و نظارت بر فعالیت‌های مالی بود که به کاهش ریسک‌های سیستماتیک و افزایش ثبات اقتصادی کمک کرد (McCauley, 2008, p. 115). همچنین دولت سنگاپور با استفاده از سیاست‌های پولی مناسب، به کاهش نرخ بهره و تقویت فعالیت‌های اقتصادی پرداخت. الگوی حکمرانی اقتصادی سنگاپور در این بحران، با تمرکز بر سیاست‌های مالی و پولی منسجم و تقویت نظارت بر بخش مالی، به موفقیت قابل توجهی دست یافت. این الگو نشان‌دهنده اهمیت هماهنگی بین سیاست‌های مالی و پولی در مدیریت بحران‌های اقتصادی است (McCauley, 2008, p. 118).

۵. ترکیه: بحران اقتصادی ۲۰۰۱

ترکیه با اجرای برنامه‌های اصلاحی اقتصادی تحت هدایت صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بهبود نظارت بر بخش مالی، موفق به مدیریت بحران اقتصادی ۲۰۰۱ شد. این برنامه‌ها شامل تغییرات عمده در قوانین مالی و اقتصادی، بهبود نظارت بر بخش مالی و اجرای اصلاحات ساختاری بود که به بازسازی اقتصاد کمک کرد (Oktar & Tezel, 2002, p. 93). در این دوره، ترکیه به کاهش نرخ تورم، بهبود وضعیت مالی و افزایش رشد اقتصادی پرداخت؛ همچنین دولت ترکیه با ارائه بسته‌های حمایتی و افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، به تقویت تقاضای داخلی و ایجاد شغل پرداخت (Oktar & Tezel, 2002, p. 96). این اقدامات شامل کاهش هزینه‌های دولتی و بهبود قوانین و مقررات بانکی بود که به افزایش ثبات اقتصادی کمک کرد. الگوی حکمرانی اقتصادی ترکیه در این بحران، با تمرکز بر اصلاحات ساختاری و تقویت نظارت بر بخش مالی، به موفقیت قابل

توجهی دست یافت. این الگو نشان‌دهنده اهمیت اصلاحات ساختاری و انضباط مالی در مدیریت بحران‌های اقتصادی است (Oktar & Tezel, 2002, p. 99).

۶. ایسلند: بحران مالی جهانی ۲۰۰۸

ایسلند در بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ با استفاده از ملی‌سازی بانک‌ها و اجرای سیاست‌های نجات مالی به موفقیت قابل توجهی دست یافت. دولت ایسلند با اجرای برنامه‌های نجات برای بانک‌های ورشکسته و حمایت از بخش‌های آسیب‌پذیر، به بازسازی اقتصاد پرداخت (Muir & Einarsson, 2010, p. 67). این اقدامات شامل افزایش سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیرساختی و کاهش مالیات‌ها بود که به تقویت تقاضای داخلی و افزایش اشتغال کمک کرد. علاوه بر بسته‌های نجات، ایسلند به تقویت نظارت بر بخش مالی و بهبود قوانین و مقررات بانکی پرداخت. این اقدامات شامل تقویت نظارت بر فعالیت‌های مالی و بهبود قوانین سرمایه‌گذاری بود که به کاهش ریسک‌های سیستماتیک و افزایش ثبات اقتصادی کمک کرد (Muir & Einarsson, 2010, p. 70)؛ همچنین دولت ایسلند با استفاده از سیاست‌های پولی مناسب، به کاهش نرخ بهره و تقویت فعالیت‌های اقتصادی پرداخت. الگوی حکمرانی اقتصادی ایسلند در این بحران، با تمرکز بر ملی‌سازی بانک‌ها و اجرای سیاست‌های نجات مالی، به موفقیت قابل توجهی دست یافت. این الگو نشان‌دهنده اهمیت اقدامات سریع و مؤثر در مدیریت بحران‌های اقتصادی است (Muir & Einarsson, 2010, p. 73).

۷. کانادا: بحران مالی جهانی ۲۰۰۸

کانادا در بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ با بهره‌برداری از سیاست‌های مالی و پولی مناسب و تقویت نظارت بر بخش مالی به موفقیت قابل توجهی در مدیریت بحران دست یافت. دولت کانادا با ارائه بسته‌های حمایتی و افزایش سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیرساختی، به تقویت اقتصاد و ایجاد شغل پرداخته است (Rose, 2009, p. 125). این اقدامات شامل کاهش مالیات‌ها و افزایش هزینه‌های دولتی بود که به تقویت تقاضای داخلی و بهبود وضعیت اقتصادی کمک کرد. علاوه بر بسته‌های حمایتی، کانادا به تقویت نظارت بر بخش مالی و بهبود قوانین و مقررات بانکی پرداخت. این اقدامات شامل تقویت نظارت بر فعالیت‌های مالی و بهبود قوانین سرمایه‌گذاری بود که به کاهش ریسک‌های سیستماتیک و افزایش ثبات اقتصادی کمک کرد (Rose, 2009, p. 128)؛ همچنین دولت کانادا با استفاده از سیاست‌های پولی مناسب، به کاهش نرخ بهره و تقویت فعالیت‌های اقتصادی پرداخته است. الگوی حکمرانی اقتصادی کانادا در این بحران، با تمرکز بر سیاست‌های مالی و پولی منسجم

و تقویت نظارت بر بخش مالی، به موفقیت قابل توجهی دست یافت. این الگو نشان‌دهنده اهمیت هماهنگی بین سیاست‌های مالی و پولی در مدیریت بحران‌های اقتصادی است (Rose, 2009, p. 130).

۸. مکزیک: بحران اقتصادی ۱۹۹۴ - ۱۹۹۵

مکزیک در دوران بحران اقتصادی ۱۹۹۴ - ۱۹۹۵ با اجرای برنامه‌های اصلاحی اقتصادی و پذیرش کمک‌های مالی از صندوق بین‌المللی پول (IMF) موفق به مدیریت بحران شد. این برنامه‌ها شامل اصلاحات ساختاری، بهبود نظارت بر بخش مالی و اجرای سیاست‌های مالی و پولی انبساطی بود که به بازسازی اقتصاد کمک کرد (Villarreal, 2005, p. 90). دولت مکزیک با کاهش نرخ تورم و افزایش رشد اقتصادی به بهبود وضعیت اقتصادی پرداخت؛ همچنین با ارائه بسته‌های حمایتی و افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، به تقویت تقاضای داخلی و ایجاد شغل پرداخته شد (Villarreal, 2005, p. 93). این اقدامات شامل کاهش هزینه‌های دولتی و بهبود قوانین و مقررات بانکی بود که به افزایش ثبات اقتصادی کمک کرد. الگوی حکمرانی اقتصادی مکزیک در این بحران، با تمرکز بر اصلاحات ساختاری و تقویت نظارت بر بخش مالی، به موفقیت قابل توجهی دست یافت و نشان‌دهنده اهمیت اصلاحات ساختاری و انضباط مالی در مدیریت بحران‌های اقتصادی است (Villarreal, 2005, p. 95).

۹. برزیل: بحران اقتصادی ۲۰۱۴ - ۲۰۱۶

برزیل در بحران اقتصادی ۲۰۱۴ - ۲۰۱۶ با استفاده از بسته‌های حمایتی مالی و اجرای سیاست‌های اقتصادی جدید، به موفقیت در مدیریت بحران دست یافت. دولت برزیل با ارائه حمایت‌های مالی برای کسب‌وکارها و سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیرساختی، به تقویت اقتصاد و افزایش اشتغال پرداخت (Barros & Sa, 2017, p. 80). این اقدامات شامل کاهش مالیات‌ها و افزایش هزینه‌های دولتی بود که به تقویت تقاضای داخلی و بهبود وضعیت اقتصادی کمک کرد. علاوه بر بسته‌های حمایتی، برزیل به تقویت نظارت بر بخش مالی و بهبود قوانین و مقررات بانکی پرداخت. این اقدامات شامل تقویت نظارت بر فعالیت‌های مالی و بهبود قوانین سرمایه‌گذاری بود که به کاهش ریسک‌های سیستماتیک و افزایش ثبات اقتصادی کمک کرد (Barros & Sa, 2017, p. 85)؛ همچنین دولت برزیل با استفاده از سیاست‌های پولی مناسب به کاهش نرخ بهره و تقویت فعالیت‌های اقتصادی پرداخت. الگوی حکمرانی اقتصادی برزیل در این بحران، با تمرکز بر سیاست‌های مالی و

پولی منسجم و تقویت نظارت بر بخش مالی، به موفقیت قابل توجهی دست یافت و نشان‌دهنده اهمیت هماهنگی بین سیاست‌های مالی و پولی در مدیریت بحران‌های اقتصادی است (Barros & Sa, 2017, p. 88).

۱۰. پرتغال: بحران اقتصادی ۲۰۱۰ - ۲۰۱۴

پرتغال با استفاده از کمک‌های مالی از اتحادیه اروپا و اجرای سیاست‌های اصلاحی اقتصادی، موفق به مدیریت بحران اقتصادی ۲۰۱۰ - ۲۰۱۴ شد. این سیاست‌ها شامل کاهش هزینه‌های دولتی، اصلاحات ساختاری و افزایش سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیرساختی بود که به بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش تأثیرات بحران کمک کرد (Pereira & Rodrigues, 2015, p. 72). دولت پرتغال با ارائه بسته‌های حمایتی و افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، به تقویت تقاضای داخلی و ایجاد شغل پرداخت (Pereira & Rodrigues, 2015, p. 75). این اقدامات شامل کاهش مالیات‌ها و بهبود قوانین و مقررات بانکی بود که به افزایش ثبات اقتصادی کمک کرد. الگوی حکمرانی اقتصادی پرتغال در این بحران، با تمرکز بر اصلاحات ساختاری و تقویت نظارت بر بخش مالی، به موفقیت قابل توجهی دست یافت و نشان‌دهنده اهمیت اصلاحات ساختاری و انضباط مالی در مدیریت بحران‌های اقتصادی است (Pereira & Rodrigues, 2015, p. 78).

۱۱. استرالیا: بحران مالی جهانی ۲۰۰۸

استرالیا در بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ با استفاده از سیاست‌های مالی و پولی انبساطی و تقویت نظارت بر بخش مالی، به موفقیت قابل توجهی دست یافت. دولت استرالیا با ارائه بسته‌های حمایتی و افزایش سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیرساختی، به تقویت اقتصاد و ایجاد شغل پرداخت (Brewster & Hodges, 2010, p. 83). این اقدامات شامل کاهش مالیات‌ها و افزایش هزینه‌های دولتی بود که به تقویت تقاضای داخلی و بهبود وضعیت اقتصادی کمک کرد. علاوه بر بسته‌های حمایتی، استرالیا به تقویت نظارت بر بخش مالی و بهبود قوانین و مقررات بانکی پرداخت. این اقدامات شامل تقویت نظارت بر فعالیت‌های مالی و بهبود قوانین سرمایه‌گذاری بود که به کاهش ریسک‌های سیستماتیک و افزایش ثبات اقتصادی کمک کرد (Brewster & Hodges, 2010, p. 87)؛ همچنین دولت استرالیا با استفاده از سیاست‌های پولی مناسب، به کاهش نرخ بهره و تقویت فعالیت‌های اقتصادی پرداخت. الگوی حکمرانی اقتصادی استرالیا در این بحران، با تمرکز بر سیاست‌های مالی و پولی منسجم و تقویت نظارت بر بخش مالی، به موفقیت قابل توجهی دست

یافت و نشان‌دهنده اهمیت هماهنگی بین سیاست‌های مالی و پولی در مدیریت بحران‌های اقتصادی است (Brewster & Hodges, 2010, p. 90).

۱۲. مالزی: بحران مالی آسیایی ۱۹۹۷ - ۱۹۹۸

مالزی در دوران بحران مالی آسیایی ۱۹۹۷ - ۱۹۹۸ با استفاده از سیاست‌های حمایتی و اصلاحات اقتصادی به موفقیت در مدیریت بحران پرداخت. دولت مالزی با پذیرش بسته‌های حمایتی و اجرای اصلاحات ساختاری، به تقویت اقتصاد و کاهش تأثیرات بحران پرداخت (Khan & Ahsan, 1999, p. 55). این اقدامات شامل کاهش هزینه‌های دولتی و افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها بود که به بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش اشتغال کمک کرد. علاوه بر اصلاحات اقتصادی، مالزی به تقویت نظارت بر بخش مالی و بهبود قوانین و مقررات بانکی پرداخت. این اقدامات شامل تقویت نظارت بر فعالیت‌های مالی و بهبود قوانین سرمایه‌گذاری بود که به کاهش ریسک‌های سیستماتیک و افزایش ثبات اقتصادی کمک کرد (Khan & Ahsan, 1999, p. 58)؛ همچنین دولت مالزی با استفاده از سیاست‌های پولی مناسب، به کاهش نرخ بهره و تقویت فعالیت‌های اقتصادی پرداخت. الگوی حکمرانی اقتصادی مالزی در این بحران، با تمرکز بر اصلاحات ساختاری و تقویت نظارت مالی، به موفقیت قابل توجهی دست یافت و نشان‌دهنده اهمیت اصلاحات ساختاری و انضباط مالی در مدیریت بحران‌های اقتصادی است (Khan & Ahsan, 1999, p. 61).

۱۳. آرژانتین: بحران اقتصادی ۲۰۰۱ - ۲۰۰۲

آرژانتین در بحران اقتصادی ۲۰۰۱ - ۲۰۰۲ با استفاده از برنامه‌های اصلاحی و اجرای سیاست‌های حمایتی، موفق به مدیریت بحران شد. دولت آرژانتین با اجرای سیاست‌های مالی و پولی جدید، به تقویت اقتصاد و کاهش تأثیرات بحران پرداخت (Timmermann, 2004, p. 102). این اقدامات شامل کاهش هزینه‌های دولتی و افزایش سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیرساختی بود که به بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش اشتغال کمک کرد. علاوه بر اصلاحات اقتصادی، آرژانتین به تقویت نظارت بر بخش مالی و بهبود قوانین و مقررات بانکی پرداخت. این اقدامات شامل تقویت نظارت بر فعالیت‌های مالی و بهبود قوانین سرمایه‌گذاری بود که به کاهش ریسک‌های سیستماتیک و افزایش ثبات اقتصادی کمک کرد (Timmermann, 2004, p. 105)؛ همچنین دولت آرژانتین با استفاده از سیاست‌های پولی مناسب، به کاهش نرخ بهره و تقویت فعالیت‌های اقتصادی پرداخت. الگوی حکمرانی اقتصادی آرژانتین در این بحران، با تمرکز بر اصلاحات ساختاری و تقویت نظارت مالی،

به موفقیت قابل توجهی دست یافت و نشان‌دهنده اهمیت اصلاحات ساختاری و انضباط مالی در مدیریت بحران‌های اقتصادی است (Timmermann, 2004, p. 108).

۱۴. سوئد: بحران اقتصادی ۱۹۹۰ - ۱۹۹۴

سوئد در بحران اقتصادی ۱۹۹۰ - ۱۹۹۴ با استفاده از سیاست‌های اصلاحی و اصلاحات ساختاری، موفق به مدیریت بحران شد. دولت سوئد با اجرای اصلاحات مالی و پولی به بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش تأثیرات بحران پرداخت (Berg & Jonung, 1999, p. 88). این اقدامات شامل کاهش هزینه‌های دولتی، افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و بهبود نظارت بر بخش مالی بود که به تقویت تقاضای داخلی و افزایش اشتغال کمک کرد. علاوه بر اصلاحات اقتصادی، سوئد به تقویت نظارت بر بخش مالی و بهبود قوانین و مقررات بانکی پرداخت. این اقدامات شامل تقویت نظارت بر فعالیت‌های مالی و بهبود قوانین سرمایه‌گذاری بود که به کاهش ریسک‌های سیستماتیک و افزایش ثبات اقتصادی کمک کرد (Berg & Jonung, 1999, p. 92)؛ همچنین دولت سوئد با استفاده از سیاست‌های پولی مناسب، به کاهش نرخ بهره و تقویت فعالیت‌های اقتصادی پرداخت. الگوی حکمرانی اقتصادی سوئد در این بحران، با تمرکز بر اصلاحات ساختاری و تقویت نظارت مالی، به موفقیت قابل توجهی دست یافت و نشان‌دهنده اهمیت اصلاحات ساختاری و انضباط مالی در مدیریت بحران‌های اقتصادی است (Berg & Jonung, 1999, p. 95).

۱۵. نروژ: بحران مالی جهانی ۲۰۰۸

نروژ در بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ با استفاده از سیاست‌های مالی و پولی مناسب و تقویت نظارت بر بخش مالی، به موفقیت در مدیریت بحران دست یافت. دولت نروژ با ارائه بسته‌های حمایتی و افزایش سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیرساختی، به تقویت اقتصاد و ایجاد شغل پرداخت (Hansen, 2010, p. 77). این اقدامات شامل کاهش مالیات‌ها و افزایش هزینه‌های دولتی بود که به تقویت تقاضای داخلی و بهبود وضعیت اقتصادی کمک کرد. علاوه بر بسته‌های حمایتی، نروژ به تقویت نظارت بر بخش مالی و بهبود قوانین و مقررات بانکی پرداخت. این اقدامات شامل تقویت نظارت بر فعالیت‌های مالی و بهبود قوانین سرمایه‌گذاری بود که به کاهش ریسک‌های سیستماتیک و افزایش ثبات اقتصادی کمک کرد (Hansen, 2010, p. 80)؛ همچنین دولت نروژ با استفاده از سیاست‌های پولی مناسب، به کاهش نرخ بهره و تقویت فعالیت‌های اقتصادی پرداخت. الگوی حکمرانی اقتصادی نروژ در این بحران، با تمرکز بر سیاست‌های مالی و پولی منسجم و تقویت نظارت بر بخش مالی،

به موفقیت قابل توجهی دست یافت و نشان‌دهنده اهمیت هماهنگی بین سیاست‌های مالی و پولی در مدیریت بحران‌های اقتصادی است (Hansen, 2010, p. 83).

این نمونه‌ها نشان‌دهنده اهمیت الگوهای حکمرانی اقتصادی و سیاست‌های اصلاحی در رویارویی با تکانش‌های اقتصادی است. هر کشور با توجه به ویژگی‌های خاص خود، الگوهای گوناگونی را به کار بسته است که موفقیت آن‌ها در مدیریت بحران‌ها به طور گسترده‌ای به توانایی آن‌ها در به کارگیری سیاست‌های مالی و پولی منسجم، اصلاحات ساختاری و تقویت نظارت بر بخش مالی وابسته است.

۴.۵. تحلیل راهبردها و ابزارهای گوناگون

۱. ۵. ۴. راهبردهای پولی و مالی

– استفاده از سیاست‌های پولی انقباضی و انبساطی: بانک‌های مرکزی می‌توانند به منظور کنترل تورم و حمایت از رشد اقتصادی از سیاست‌های پولی انقباضی یا انبساطی استفاده کنند. این سیاست‌ها شامل تنظیم نرخ بهره و استفاده از ابزارهای پولی دیگر است (Mankiw, 2021, p. 198).

– ایجاد صندوق‌های رویارویی با بحران: کشورهای گوناگون می‌توانند صندوق‌های ویژه‌ای برای رویارویی با بحران‌های اقتصادی و مالی ایجاد کنند. این صندوق‌ها می‌توانند به دولت‌ها و بخش‌های خصوصی کمک کنند تا در برابر بحران‌ها مقاوم‌تر شوند و بهبود وضعیت اقتصادی را تسریع کنند (IMF, 2011, p. 76).

۲. ۵. ۴. راهبردهای تجاری و اقتصادی

– توسعه توافقات تجاری و همکاری‌های بین‌المللی: ایجاد توافقات تجاری و همکاری‌های بین‌المللی می‌تواند به کاهش وابستگی به بازارهای خاص و بهبود تنوع اقتصادی کمک کند. این توافقات می‌تواند به کشورهای در حال توسعه کمک کند تا به بازارهای جهانی دسترسی پیدا کنند و اقتصادهای خود را مقاوم‌تر کنند (Freund & Bolaky, 2008, p. 74).

– حمایت از نوآوری و پژوهش‌ها: سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه می‌تواند به افزایش بهره‌وری و ایجاد فرصت‌های اقتصادی جدید کمک کند. نوآوری می‌تواند به اقتصادها کمک کند تا با تغییرات بازار و فناوری سازگار شوند و از ریسک‌های اقتصادی جلوگیری کنند (Rodrik, 2004, p. 130).

۳. ۵. ۴. راهبردهای اجتماعی و حمایتی

- ایجاد برنامه‌های حمایتی و بیمه‌های اجتماعی: طراحی و اجرای برنامه‌های حمایتی و بیمه‌های اجتماعی می‌تواند به کاهش تأثیرات منفی بحران‌ها بر افراد و خانواده‌ها کمک کند. این برنامه‌ها می‌تواند شامل بیمه بیکاری، بیمه سلامت و برنامه‌های حمایتی دیگر باشد (World Bank, 2019, p. 90).

- تقویت توانمندی‌های محلی و منطقه‌ای: افزایش توانمندی‌های محلی و منطقه‌ای می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی و بهبود ظرفیت پاسخگویی به بحران‌ها کمک کند. این اقدامات می‌تواند شامل تقویت زیرساخت‌های محلی، ایجاد فرصت‌های شغلی و حمایت از کسب‌وکارهای محلی باشد (OECD, 2014, p. 98).

۴. ۵. ۴. تحلیل تحریم‌ها و راهبردهای رویارویی با آنها

- بررسی تأثیرات تحریم‌ها: تحریم‌ها می‌تواند به محدودیت‌های اقتصادی، کاهش سرمایه‌گذاری و مشکلات مالی منجر شود. تحلیل دقیق تأثیرات تحریم‌ها می‌تواند به کشورها کمک کند تا راهبردهای مناسب برای کاهش آسیب‌پذیری و مقاوم‌سازی اقتصاد خود را تدوین کنند (Hufbauer, Schott, & Elliott, 2007, p. 55).

- استفاده از دیپلماسی اقتصادی و همکاری‌های بین‌المللی: کشورها می‌توانند به‌منظور کاهش تأثیرات تحریم‌ها و جستجوی راهکارهای جدید برای بهبود وضعیت اقتصادی از دیپلماسی اقتصادی و همکاری‌های بین‌المللی استفاده کنند. این اقدامات می‌تواند شامل مذاکره با کشورهای دیگر، ایجاد توافقات تجاری و تقویت روابط اقتصادی باشد (Kreps & Yoon, 2020, p. 82).

۵. بحث

در بررسی الگوهای گوناگون حکمرانی اقتصادی و تجربه کشورها در رویارویی با تکانش‌های اقتصادی، چندین نتیجه کلیدی به‌دست آمد. این نتایج به روشن‌شدن اهمیت حکمرانی اقتصادی در تقویت مقاومت اقتصاد و مدیریت بحران‌های اقتصادی کمک می‌کند و می‌تواند به‌عنوان مبنای توسعه سیاست‌های اقتصادی در کشورهای گوناگون از جمله ایران مورد استفاده قرار گیرد.

۱. ۵. اهمیت حکمرانی اقتصادی در مدیریت بحران‌ها

الگوهای حکمرانی اقتصادی موفق، ویژگی‌هایی مانند شفافیت، پاسخگویی و انعطاف‌پذیری دارند. کشورهایی مانند ایسلند و کانادا که در رویارویی با بحران‌های مالی جهانی موفق عمل کردند، با استفاده از سیاست‌های مالی و پولی مناسب و تقویت نظارت بر بخش مالی، توانستند به بازسازی اقتصاد خود بپردازند (Muir & Einarsson, 2010, p. 73; Rose, 2009, p. 130). این کشورها با تصمیمات سریع و مؤثر در زمینه‌های گوناگون اقتصادی از جمله ملی‌سازی بانک‌ها و ارائه بسته‌های حمایتی، موفق به کاهش آثار بحران و تقویت اقتصاد شدند.

۲. ۵. تأثیر تحریم‌ها بر حکمرانی اقتصادی

تحریم‌ها به عنوان یکی از عوامل خارجی تکانش اقتصادی، می‌تواند تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر اقتصاد کشورها داشته باشد. کشورهایی مانند ایران که تحت تحریم‌های بین‌المللی قرار دارند، با مشکلاتی مانند کاهش درآمدهای نفتی، اختلال در زنجیره تأمین و افزایش فشارهای اقتصادی روبه‌رو هستند (Katzman, 2018, p. 45). تحریم‌ها سبب کاهش توان اقتصادی کشورها و ایجاد اختلالات عمده در ساختار اقتصادی می‌شود، که مدیریت مؤثر و حکمرانی اقتصادی قوی می‌تواند به کاهش این تأثیرات کمک کند.

۳. ۵. تحلیل تجربه موفق کشورهای گوناگون

تجربه کشورهای موفق در مدیریت بحران‌ها و تکانش‌های اقتصادی نشان می‌دهد که اصلاحات ساختاری، سیاست‌های مالی و پولی منسجم و تقویت نظارت بر بخش مالی از جمله عوامل کلیدی در موفقیت این کشورها است. به عنوان مثال، در بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، کانادا با استفاده از سیاست‌های مالی و پولی مناسب و تقویت نظارت بر بخش مالی T توانست به کاهش آثار بحران و بهبود وضعیت اقتصادی بپردازد (Rose, 2009, p. 128)؛ همچنین مالزی در بحران مالی آسیایی ۱۹۹۷-۱۹۹۸ با پذیرش اصلاحات اقتصادی و سیاست‌های حمایتی، موفق به کاهش تأثیرات بحران شد (Khan & Ahsan, 1999, p. 58).

۴. ۵. نیاز به اصلاحات ساختاری و سیاست‌های حمایتی

بررسی الگوهای حکمرانی اقتصادی و تجربه کشورهای گوناگون نشان‌دهنده نیاز به اصلاحات ساختاری و سیاست‌های حمایتی در رویارویی با بحران‌ها و تکانش‌های اقتصادی است. کشورهایی که به سرعت به اصلاحات اقتصادی و اجرای سیاست‌های حمایتی پرداخته‌اند، به موفقیت‌های قابل

توجهی در مدیریت بحران‌ها دست یافته‌اند (Barros & Sa, 2017, p. 85). این اصلاحات شامل بهبود نظارت بر بخش مالی، اجرای سیاست‌های پولی مناسب و ارائه بسته‌های حمایتی برای کسب‌وکارها و خانوارها بوده است.

۵.۵. بررسی الگوهای حکمرانی موفق با وجود تحریم‌ها

الگوهای حکمرانی اقتصادی که با وجود تحریم‌ها موفق به مدیریت بحران‌ها شده‌اند، نشان‌دهنده اهمیت اجرای سیاست‌های اقتصادی قوی و کارآمد در شرایط بحرانی است. به عنوان مثال، ایران در برخی از دوره‌ها توانسته است با استفاده از سیاست‌های اقتصادی مناسب و اصلاحات ساختاری، تأثیرات تحریم‌ها را کاهش دهد (Hajiloo & Fattahzadeh, 2020, p. 70). این کشور با تمرکز بر بهبود مدیریت منابع و تقویت بخش‌های اقتصادی کلیدی، موفق به کاهش آسیب‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌ها شده است.

۶. پیشنهادها برای بهبود حکمرانی اقتصادی و مقاومت‌سازی اقتصاد

برای مقاومت‌سازی اقتصاد ایران در برابر تکانش‌های اقتصادی، به‌ویژه با توجه به شرایط ویژه کشور مانند تحریم‌ها، محدودیت‌های مالی بین‌المللی ناشی از وضعیت ایران در FATF و وابستگی به درآمدهای نفتی، ایده‌های زیر پیشنهاد می‌شود. این ایده‌ها با الهام از تجربه جهانی و تحلیل چالش‌های داخلی ایران طراحی شده است و اجزای ریزتر مؤثر بر مقاومت‌سازی اقتصاد را در بر می‌گیرد.

۱. دیپلماسی اقتصادی فعال و پیمان‌های منطقه‌ای: تحریم‌های بین‌المللی، به‌ویژه محدودیت‌های مرتبط با FATF، دسترسی ایران به نظام مالی جهانی را محدود کرده است (Katzman, 2018). برای رویارویی با این چالش، ایران می‌تواند دیپلماسی اقتصادی فعال را از راه تقویت پیمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان همکاری اقتصادی (ECO) یا توافقات دوجانبه با کشورهای همسایه (مانند ترکیه، عراق، و چین) دنبال کند. این پیمان‌ها می‌تواند تجارت غیر نفتی را تقویت کند و وابستگی به بازارهای غربی را کاهش دهد. برای مثال، توسعه کریدورهای تجاری منطقه‌ای مانند کریدور شمال - جنوب می‌تواند دسترسی به بازارهای آسیایی را آسان کند (Sugawara & Kose, 2020)؛ همچنین ایجاد توافقات تجارت ترجیحی با کشورهای غیرتحریمی می‌تواند جریان‌های مالی جایگزین را فراهم کند، حتی در شرایط محدودیت‌های FATF. این رویکرد نیازمند تقویت زیرساخت‌های لجستیکی و مذاکرات هدفمند برای کاهش موانع تجاری است.

۲. نوآوری در بخش‌های غیر نفتی: وابستگی بیش از حد ایران به درآمدهای نفتی، اقتصاد را در برابر نوسانات قیمت جهانی آسیب‌پذیر کرده است (Rodrik & Hausmann, 2018). سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیر نفتی مانند فناوری‌های سبز (انرژی خورشیدی و بادی) و استارت‌آپ‌های فناوری می‌تواند تنوع اقتصادی را تقویت کند. برای مثال، ایجاد پارک‌های فناوری در شهرهای بزرگ و ارائه مشوق‌های مالیاتی برای استارت‌آپ‌ها می‌تواند نوآوری را ترویج دهد. این رویکرد با توجه به محدودیت‌های FATF، که سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش داده است، بر استفاده از ظرفیت‌های داخلی، مانند نیروی کار جوان و تحصیل‌کرده تمرکز دارد. توسعه بخش‌هایی مانند کشاورزی هوشمند و فناوری اطلاعات نیز می‌تواند به افزایش صادرات غیر نفتی کمک کند (Lopez-Gonzalez & Baldwin, 2016).

۳. اصلاح نظام یارانه‌ها: نظام یارانه‌های انرژی در ایران منابع مالی قابل توجهی را مصرف می‌کند که می‌تواند به جای آن برای حمایت از تولید داخلی و SMEها هدایت شود (Stiglitz, 2019). اصلاح یارانه‌ها باید با سازوکارهای جبرانی برای اқشار کم‌درآمد همراه باشد تا از ناآرامی‌های اجتماعی جلوگیری شود. برای مثال، تخصیص بخشی از منابع یارانه‌ای به صندوق‌های توسعه SMEها یا طرح‌های زیرساختی می‌تواند تولید داخلی را تقویت کند. این اصلاحات باید با شفافیت مالی و نظارت دقیق همراه باشد تا از فساد جلوگیری شود، به‌ویژه در شرایطی که تحریم‌ها نظارت بین‌المللی را دشوار کرده است.

۴. تقویت سازوکارهای مالی داخلی: محدودیت‌های FATF دسترسی ایران به سامانه‌های مالی بین‌المللی مانند SWIFT را دشوار کرده است. برای رویارویی با این مشکل، ایران می‌تواند سازوکارهای مالی داخلی، مانند توسعه سامانه‌های پرداخت دیجیتال و بلاکچین را تقویت کند. برای مثال، ایجاد ارز دیجیتال ملی یا سکوها‌ی پرداخت منطقه‌ای با کشورهای همسایه می‌تواند تجارت را در شرایط تحریم آسان کند. این رویکرد نیازمند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دیجیتال و آموزش نیروی انسانی است (Rodrik, 2016).

۵. توسعه همکاری‌های علمی و فناوری منطقه‌ای: تحریم‌ها دسترسی ایران به فناوری‌های پیشرفته را محدود کرده است. همکاری‌های علمی با کشورهایی مانند چین و هند، که خود تحت فشارهای مشابه هستند، می‌تواند به انتقال فناوری و تقویت ظرفیت‌های داخلی کمک کند. برای مثال، ایجاد مراکز پژوهشی مشترک در زمینه‌های هوش مصنوعی و انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند نوآوری را

تسریع کند (Rodrik & Hausmann, 2018). این همکاری‌ها باید با سیاست‌های تشویقی برای بخش خصوصی همراه باشد تا سرمایه‌گذاری در D&R افزایش یابد.

۶. تقویت تاب‌آوری اجتماعی: تحریم‌ها و تکانش‌های اقتصادی تأثیرات اجتماعی منفی مانند افزایش فقر و نابرابری به همراه دارد (Stiglitz, 2019). ایجاد برنامه‌های حمایتی هدفمند، مانند یارانه‌های نقدی برای اقشار کم‌درآمد یا برنامه‌های آموزش مهارت برای نیروی کار می‌تواند تاب‌آوری اجتماعی را تقویت کند. این برنامه‌ها باید با نظارت دقیق و شفافیت مالی اجرا شود تا اثربخشی آن‌ها تضمین شود.

این ایده‌ها با توجه به محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و وضعیت FATF طراحی شده است و بر استفاده از ظرفیت‌های داخلی و همکاری‌های منطقه‌ای تمرکز دارد. اجرای این ایده‌ها نیازمند هماهنگی بین نهادهای دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی است تا اثربخشی آن‌ها به حداکثر برسد.

۷. پیشنهاد‌های سیاستی برای ایران

با توجه به شرایط ویژه ایران از جمله تحریم‌ها، محدودیت‌های FATF و وابستگی به درآمدهای نفتی، الگوی پیشنهادی شامل راهکارهای عملیاتی زیر است:

۱. اجرای اصلاحات ساختاری

- بازنگری نظام مالیاتی: طراحی نظام مالیاتی پیش‌رونده که درآمدهای غیر نفتی را افزایش دهد، مانند مالیات بر دارایی‌های غیر مولد (Giavazzi & Alesina, 2019). این کار نیازمند ایجاد پایگاه داده‌های مالی شفاف و کاهش معافیت‌های غیر ضروری است.

- اصلاح قوانین کسب‌وکار: کاهش بروکراسی و ساده‌سازی فرایند صدور مجوز برای SMEها با استفاده از سکوی دیجیتال برای تسریع در سرمایه‌گذاری (Rodrik, 2016).

۲. تقویت بخش خصوصی

- ارائه وام‌های کم‌بهره: ایجاد صندوق‌های توسعه SMEها با نرخ بهره یارانه‌ای و نظارت دقیق برای جلوگیری از سوء استفاده. این صندوق‌ها می‌تواند از منابع آزادشده از اصلاح یارانه‌های انرژی تأمین مالی شوند (Stiglitz, 2019).

- ایجاد مناطق ویژه اقتصادی: توسعه مناطق ویژه اقتصادی با معافیت‌های مالیاتی برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و منطقه‌ای، به ویژه در بخش‌های فناوری و کشاورزی (Lopez-Gonzalez & Baldwin, 2016).

۳. تنوع اقتصادی

- توسعه بخش کشاورزی هوشمند: سرمایه‌گذاری در فناوری‌های کشاورزی، مانند آبیاری هوشمند و کشت گلخانه‌ای برای افزایش بهره‌وری و صادرات (Rodrik, 2018 & Hausmann).

- گسترش صنعت فناوری اطلاعات: ایجاد مراکز نوآوری و شتاب‌دهنده‌ها برای حمایت از استارت‌آپ‌های فناوری، با تمرکز بر صادرات نرم‌افزار و خدمات دیجیتال (Sugawara, & Kose, 2020).

۴. دیپلماسی اقتصادی فعال

- تقویت پیمان‌های منطقه‌ای: مذاکره برای پیوستن به توافقات تجاری منطقه‌ای مانند پیمان شانگهای یا ECO، برای افزایش دسترسی به بازارهای غیر تحریمی. این کار نیازمند تقویت زیرساخت‌های لجستیکی و دیپلماسی فعال است (Sugawara & Kose, 2020).

- توسعه سامانه‌های مالی جایگزین: ایجاد سکوهاى پرداخت منطقه‌ای با کشورهای همسایه برای کاهش وابستگی به SWIFT و دورزدن محدودیت‌های FATF.

۵. سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه (D&R)

- ایجاد مراکز نوآوری مشترک: همکاری با کشورهای منطقه برای ایجاد مراکز پژوهشی در زمینه‌های فناوری سبز و هوش مصنوعی (Rodrik & Hausmann, 2018).

- مشوق‌های مالیاتی برای تحقیق و توسعه: ارائه معافیت‌های مالیاتی، با نظارت دقیق بر خروجی‌ها، برای شرکت‌هایی که در تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری می‌کنند.

این الگوها و پیشنهادها با توجه به تجربه موفق کشورهای گوناگون و نیازهای ویژه ایران طراحی شده است و می‌تواند به بهبود حکمرانی اقتصادی و مقاوم‌سازی اقتصاد کشور کمک کند.

نتیجه‌گیری

این مرور چتری نشان داد که حکمرانی اقتصادی مؤثر از راه اصلاحات ساختاری، سیاست‌های مالی و پولی منسجم و تقویت نظارت مالی می‌تواند به مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تکانش‌ها کمک

کند. برای ایران، تمرکز بر تنوع اقتصادی، تقویت بخش خصوصی، دیپلماسی اقتصادی فعال و مدیریت محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و FATF ضروری است. این پیشنهادها با توجه به تجربه جهانی و شرایط ویژه ایران طراحی شده است و می‌تواند به بهبود تاب‌آوری اقتصادی کشور کمک کند.

References

- Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2012). **Why Nations Fail: The Origins of Power, Prosperity, and Poverty**. Crown Business.
- Alesina, A., & Giavazzi, F. (2019). Structural reforms and economic resilience in Europe. **Journal of Economic Perspectives**, 33(4), 45–67.
- Baldwin, R., & Lopez-Gonzalez, J. (2016). Supply-chain trade and economic resilience. **World Economy**, 39(12), 1852–1875.
- Barros, R. S., & Sa, L. F. (2017). Brazil's economic crisis and recovery: Lessons learned. **Latin American Politics and Society**, 59(2), 76–95.
- Basel Committee on Banking Supervision. (2015). **Base Framework: A Global Regulatory Framework for More Resilient Banks and Banking Systems**. Bank for International Settlements.
- Berg, C., & Jonung, L. (1999). Sweden's economic crisis and recovery: Lessons learned. **Scandinavian Journal of Economics**, 101(2), 75–96.
- Blanchard, O. (2009). **Macroeconomics** (5th ed.). Pearson.
- Bordo, M. D. (2012). **The financial crisis of 2008: What have we learned?** NBER Working Paper Series, 18321.
- Brewster, C., & Hodges, M. (2010). Australia's response to the global financial crisis: A comprehensive analysis. **Australian Economic Review**, 43(1), 78–98.
- Chang, H.-J. (2002). **Kicking Away the Ladder: Development Strategy in Historical Perspective**. Anthem Press.
- Devarajan, S. (2013). **Resilience and Growth: The Importance of Economic Policy in Developing Countries**. World Bank Group.
- Egeland, J. (2019). Sanctions and economic impact: A comprehensive review. **Journal of Economic Perspectives**, 33(3), 78–95.
- Esping-Andersen, G. (1990). **The Three Worlds of Welfare Capitalism**. Princeton University Press.
- Fischer, S. (1993). The role of macroeconomic policy in the stabilization of the Chilean economy. **Journal of Development Economics**, 40(1), 57–79.
- Freund, C., & Bolaky, B. (2008). **Trade, regulations, and growth**. World Bank Policy Research Working Paper, 3713.
- Friedman, M. (2002). **Capitalism and Freedom**. University of Chicago Press.
- Gourinchas, P.-O., & Obstfeld, M. (2012). Stories of the twentieth century for the twenty-first. **American Economic Journal: Macroeconomics**, 4(1), 226–265.
- Gourinchas, P.-O., & Obstfeld, M. (2017). Fiscal policy and economic recovery: Lessons from the global financial crisis. **American Economic Review**, 107(5), 89–112.
- Hajiloo, S., & Fattahzadeh, N. (2020). Economic resilience in Iran: Coping with sanctions and economic challenges. **Middle Eastern Studies**, 56(1), 65–85.
- Hamilton, J. D. (2009). Understanding crude oil prices. **Energy Journal**, 30(2), 79–106.
- Hanushek, E. A., & Woessmann, L. (2015). **The Knowledge Capital of Nations: Education and the Economics of Growth**. MIT Press.
- Hufbauer, G. C., Schott, J. J., & Elliott, K. A. (2007). **Economic Sanctions Reconsidered** (3rd ed.). Peterson Institute for International Economics.
- IMF. (2011). **World Economic Outlook: Recovery Strengthened, Remains Uneven**. International Monetary Fund.

IMF. (2014). **The Stability of the Financial System: An Analysis of Financial Crises**. International Monetary Fund.

IMF. (2021). **World Economic Outlook: Recovery During a Pandemic**. International Monetary Fund.

IMF. (2022). **World Economic Outlook: Recovery During a Pandemic**. International Monetary Fund.

Katzman, K. (2018). Iran: **Economic Conditions and U.S. Policy**. Congressional Research Service. Retrieved from <https://www.crs.gov>

Khan, M. S., & Ahsan, M. S. (1999). Malaysia's economic reforms and recovery: A case study. **Asian Economic Journal**, 13(1), 50–68.

Kindleberger, C. P., & Aliber, R. Z. (2005). **Manias, Panics, and Crashes: A History of Financial Crises** (5th ed.). Wiley.

Klinger, B., & Lederman, D. (2004). **Diversification, specialization, and the export structure of countries**. World Bank Policy Research Working Paper, 3041.

Kose, M. A., & Sugawara, N. (2020). **Understanding the impact of external shocks on emerging economies**. World Bank Policy Research Working Paper, 9421.

Kreps, S. E., & Yoon, J. (2020). Economic sanctions and their impact: A comparative analysis. **Review of International Political Economy**, 27(4), 66–83.

Mankiw, N. G. (2021). **Principles of Economics** (9th ed.). Cengage Learning.

McCauley, R. N. (2008). The global financial crisis and its impact on the Singapore economy. **Asian Economic Policy Review**, 3(1), 100–121.

Muir, R., & Einarsson, T. (2010). Iceland's response to the financial crisis: Lessons learned. **Nordic Economic Policy Review**, 9(1), 59–74.

North, D. C. (1990). **Institutions, Institutional Change, and Economic Performance**. Cambridge University Press.

OECD. (2014). **Economic Policy Reforms 2014: Going for Growth**. Organisation for Economic Co-operation and Development.

OECD. (2015). **Governance for Green Growth: Lessons from OECD Reviews**. Organisation for Economic Co-operation and Development.

OECD. (2022). **Economic Outlook**. Organisation for Economic Co-operation and Development.

OECD. (2023). **OECD Economic Outlook, Volume 2023 Issue 1**. Organisation for Economic Co-operation and Development.

Obstfeld, M., & Rogoff, K. (2009). Globalization and the risk of financial contagion. **Journal of International Economics**, 77(2), 108–124.

Oktar, S., & Tezel, A. (2002). Turkey's economic reform program and the 2001 financial crisis. **Emerging Markets Review**, 3(2), 88–104.

Pape, R. A. (1997). Why economic sanctions do not work. **International Security**, 22(2), 90–136.

Pereira, P. T., & Rodrigues, P. M. (2015). The Portuguese economic adjustment program: Performance and lessons. **European Economic Review**, 78, 67–84.

Piketty, T. (2014). **Capital in the Twenty-First Century**. Belknap Press.

Radelet, S., & Sachs, J. (2000). **The East Asian financial crisis: Diagnosis, remedies, prospects**. Brookings Papers on Economic Activity, 1, 1–74.

Reinhart, C. M., & Rogoff, K. S. (2009). **This Time Is Different: Eight Centuries of Financial Folly**. Princeton University Press.

- Rodrik, D. (2004). **Industrial Policy for the Twenty-First Century**. Harvard University Press.
- Rodrik, D. (2016). The return of institutions in economic development. **Journal of Economic Literature**, 54(2), 325–350.
- Rodrik, D. (2020). **Straight Talk on Trade: Ideas for a Sane World Economy**. Princeton University Press.
- Rose, A. K. (2009). Canada's economic policy response to the global financial crisis. **Canadian Journal of Economics**, 42(1), 120–140.
- Sen, A. (1999). **Development as Freedom**. Oxford University Press.
- Stiglitz, J. E. (2002). **Globalization and Its Discontents**. W.W. Norton & Company.
- Stiglitz, J. E. (2019). Social policies and economic resilience: A global perspective. **Journal of Economic Policy**, 31(3), 56–78.
- Taylor, J. B. (2015). Monetary policy and economic recovery: Lessons from the global financial crisis. **Journal of Monetary Economics**, 74, 90–105.
- Timmermann, A. (2004). Argentina's crisis: A case study of economic collapse and recovery. **Latin American Politics and Society**, 46(2), 95–114.
- UNIDO. (2004). **The Role of Economic Governance in Economic Development**. United Nations Industrial Development Organization.
- United Nations Conference on Trade and Development. (2024). **World Investment Report 2024**. United Nations Conference on Trade and Development.
- Villarreal, M. A. (2005). Mexico's economic crisis of 1994–1995: Causes and consequences. **Journal of Latin American Studies**, 37(2), 87–104.
- World Bank. (2000). **World Development Report 1999/2000: Entering the 21st Century**. World Bank Publications.
- World Bank. (2015). **Economic Resilience: Policies and Strategies for Developing Countries**. World Bank Publications.
- World Bank. (2018). **World Development Report 2018: Learning to Realize Education's Promise**. World Bank Publications.
- World Bank. (2019). **The World Bank's Social Protection and Jobs Strategy: Overview**. World Bank Publications.
- World Bank. (2022). **Global Economic Prospects**. World Bank Group.
- World Bank. (2023). **Global Economic Prospects**. World Bank Group.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

